

دوره جدید – شماره ۱۵۲
سه‌شنبه ۳ آذر ۸۸
۶ دی‌مچه ۱۳۲۰
۲۴ نوامبر ۲۰۰۹

انتگاز حال خوشی ندارد
گاهی سعادت از در و دیوار من می‌بارد
گاهی
میمنی فراموش شده در جنوب فرانسه است
و زیر میز نهارخورام منفرج می‌شود
شمس لنگرودی

- چرک‌نویس**

در سوگ شهرام شیدایی
نیاز به یک کلمه دارم

اسدالله

اسدالله امرایی

نیاز به یک کلمه دارم. کلمه‌ای که مرا از روی زمین بردارد. شهرام شیدایی هم به خیل یارانی بیوست که با صف و بی‌صف از هم جلوزندند.می‌گفت یکی که‌صفی نیست. راحت شد از تیغ جراح و تخت بیمارستان و دغدغه‌هایی که‌بابت‌محبت‌های‌دوستانش داشت.کلمه‌ای‌را‌که‌نیاز‌داشت‌پیدا‌کرد و همان کلمه از روی زمین برداشتش. حالا فکر می‌کنم جقدر سخت است که بخوام مهدی بزندی‌خرم‌را‌آرام‌کنم‌که‌هنوز‌داغ‌سحایی‌را‌نگذاشته‌که‌داغدار‌شهرام‌شد؛ شهرام شاعر و مترجم. در حالت طبیعی که آدم‌ها زندگی طبیعی‌شان‌را‌می‌کنند‌و‌هزار‌چور‌دغدغه،‌فکر،‌خیال‌و‌ممیست‌ندارند.‌شاید‌به‌زور‌نیمه‌عمرش‌را‌به‌پایان‌رسانده‌بود‌که‌پر‌زده‌به‌قول‌گلشیری‌پردا‌راستی‌نیمه‌عمر‌که‌ربطی‌به‌آدم‌ندارد. اصطلاحی‌است‌در‌فیزيک‌و‌انرژی‌هسته‌ای.‌در‌بخش‌انرژی‌هم‌پر‌تودمانی‌اش‌به‌شاعر‌می‌سد.‌شهرام‌زندگی‌شاعرانه‌ای‌هم‌داشت‌و‌چه‌کیفی‌می‌کرد‌وقتی‌شعرهای‌شیمبورسکا‌را‌می‌خواند. ۱۵۰۱۰ ساللی‌می‌شد‌که‌می‌شناختمش‌به‌لطف‌شهرام‌رفیع‌زاده،‌صالح‌عطایی‌و‌رسول‌پویان.‌گاهی‌هم‌همدیگر‌را‌در‌این‌دفتر‌مجله‌و‌آن‌دفتر‌مجله‌می‌دیدیم.‌وقتی‌مریض‌شد‌خیلی‌ها‌به‌تکاپو‌افتادند‌لکنه‌بتوانند‌باری‌با‌دوش‌او‌پردازند‌با‌این‌هزینه‌های‌سنگین،‌اما‌هنرمند‌که‌دستش‌به‌جایی‌بند‌نیست.‌هنرش‌را‌فروخته‌باشد‌به‌ارباب‌قدرت‌دیگر‌هنری‌ندارد،‌برای‌همین‌است‌که‌هنرمند‌هنرمند‌می‌ماند.‌شاعران‌و‌نقاشان‌جمع‌شدند‌و‌آثاری‌را‌برای‌کمک‌به‌تامین‌هزینه‌های‌سنگین‌و‌کمرشکن‌عمل‌و‌بیمارستان‌شهرام‌شیدایی‌به‌معرض‌فروش‌بگذازند‌و‌البته‌کتاب‌شعرش‌را‌که‌اسمش‌هم‌با‌سمی‌بوده‌«خندیدن‌در‌خانه‌ای‌که‌می‌سوخت».‌شاعران‌مگر‌چه‌دارند‌جز‌همین‌شعرا‌در‌خانه‌ای‌که‌می‌سوزد‌و‌آتش‌می‌زند‌به‌جان‌پروانه‌ای‌که‌شاعر‌باشد.‌به‌همه‌تسلیم‌می‌گویم‌و‌به‌شهرام،‌رسول،‌صالح‌و‌روحي‌افسر‌و‌به‌ادبیات‌و‌هنر‌ایران‌و‌باز‌هم‌به‌شهرام‌که‌اول‌بار‌مرا‌با‌او‌آشنا‌کرد.‌با‌شعرهای‌اورهان‌ولی‌شاعر‌ترک‌که‌می‌گفت‌چه‌کارها‌که‌برای‌این‌وطن‌نکردیم؛‌«یکی‌مان‌مردیم‌یکی‌مان‌نطق‌کردیم».‌حال‌بقیه‌را‌می‌دانم‌اما‌حال‌خودم‌را‌نه.‌فقط‌بسیار‌گریه‌کردم‌و‌این‌کلمات‌هر‌کدام‌در‌پس‌برده‌ای‌اشک‌می‌لرزید.‌کلمه‌هایی‌که‌به‌دنبال‌کسی‌می‌رود‌که‌یک‌کلمه‌او‌را‌برده‌مرگ.‌مرگ‌اما‌یک‌کلمه‌نیست‌یک‌مجموعه‌است‌وقتی‌که‌کارش‌به‌شاعر‌می‌افتد.‌مجموعه‌ای‌از‌درد‌و‌درک!

- شوگ**

خانه سینما در جواب به معاونت سینمایی:
تفکر قییم‌آبانه‌ای با شما است

فرهیختگان: درگیری‌های خانه سینما و معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به جایی رسید که معاونت سینمایی تصمیم گرفت کاری به خروج عبدالحسن برپزید از شورای پروانه ساخت نداشته باشد و فارغ از قانونی که اعتقاد دارد انتخاب نماینده جایگزین خانه سینما، به عهده همان نهاد است، عمل کردند. به همین خاطر، خانه سینما در جوابی‌ای نوشت: «جای بسی شگفتی است که هژمونی قییم‌آبی پس از ۳۰ سال از گذشت انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران که سرلوحه‌اش حضور مردم و توجه به مردم در ایفای نقش‌های خودشان بوده است، هنوز بر تفکر و باور مدیران دولتی سیطره دارد.» در بخش دیگری از این نامه آمده است: «نمی‌توان این حق را امتیاز شمرد و به دلخواه و با تفسیرهای یکسویه مخالف با حقوق اساسی ملت، راه اقتدار گریانه پیش گرفت و سینماگران را از آن محروم ساخت. در هر حال جامعه اصناف سینمایی ایران همچنان به درخواست مورخ ۲۰ آبان ۸۸ خود مبنی بر انجام گفتگو با مسوولان مربوطه پایبند است و در مراحل آتی نیز استیفای حقوق مطرح در قانون اساسی و سایر قوانین و سباز موضوعه را از راه‌های قانونی دنبال خواهد کرد.»

- دقیقه نود**

ایرج طهماسب فیلم «بچه‌ننه» را کلید می‌زند
کلاه‌قرمزی با «بچه‌ننه» می‌آید

فرهیختگان: کلاه‌قرمزی بعد از هفت سال دوری به سینماها بازمی‌گردد. این روزها ایرج طهماسب در دفتر صحرافیلم، مشغول آماده کردن مراحل پیش‌تولید فیلم تازه‌اش با این عروسک محبوب و دوست‌داشتنی است تا فیلم «بچه‌ننه» اواخر آذرماه کلید بخورد. طهماسب مجوز ساخت این فیلم را چهار سال پیش به تهیه‌کنندگی حمید مدرسی از وزارت ارشاد گرفت اما از آن سال تا عید سال ۸۸، برای بازگشت دوباره کلاه‌قرمزی مردد بود ولی برنامه نوروزی «کلاه‌قرمزی ۸۸» و دیدار دوباره مخاطبان و دوستداران این عروسک و البته توجه کودکان نسل تازه، تمام شک و تردیده‌ای‌های‌سازد.‌برای‌بازگشت‌کلاه‌قرمزی‌از‌بین‌برد‌و‌حالا‌و‌فیلم‌سوم‌کلاه‌قرمزی‌را‌می‌سازد.‌مخاطبان‌کلاه‌قرمزی‌در‌تلویزیون‌و‌سینما،‌همین‌جوان‌های‌نسل‌سوم‌این‌روزها‌هستند‌که‌خاطرات‌خوبی‌از‌کلاه‌قرمزی‌و‌دوستانش‌دارند.‌فیلم‌های‌«کلاه‌قرمزی‌و‌پسر‌خاله»‌و‌«کلاه‌قرمزی‌و‌سروان»‌و‌فیلم‌قبلی‌طهماسب‌پودند‌که‌در‌سال‌۱۳۷۴‌و‌۱۳۸۱،‌رکورد‌فروش‌بزرگی‌در‌سینماهای‌ایران‌به‌جا‌گذاشتند.‌حالا‌کلاه‌قرمزی‌با‌فیلم‌«بچه‌ننه»‌دوباره‌به‌سینماها‌بازمی‌گردد.‌به‌جز‌این‌خبر‌اطلاعات‌تازه‌ای‌از‌این‌فیلم‌ارائه‌نشده‌است،‌اطلاعاتی‌که‌داستان،‌حضور‌عروسک‌های‌مختلف،‌بازیگران‌و‌عوامل‌این‌فیلم‌را‌متشخص‌می‌کند‌و‌شاید‌مخاطبان‌را‌به‌ددین‌این‌فیلم‌در‌نوروز۸۹‌امیدوار‌کند.

- خبرچین**

برنامه‌های انتظامی برای کمک به بچه‌های بی‌سرپرست چهارشنبه، ساعت ۲۰، سینما آفریقا

عزت‌الله انتظامی عادت دارد در مراسم خیریه شرکت کند و سهمی هم در آن داشته باشد. یکی از این موسسات، موسسه‌ای به نام «دارالاکرام حضرت ابوالفضل (ع)» است که از ادامه تحصیل بچه‌هایی که در حین تحصیل پدرشان را از دست می‌دهند، حمایت می‌کند. انتظامی درباره برنامه‌ای که قرار است در روز چهارشنبه برگزار شود به خبرگزاری ایسنا گفته است: «این موسسه سال گذشته از من تقاضای کمک کرد و فیلم میثقی یسنا خرموش را قبل از اکران عمومی‌اش در سینما آفریقا نمایش دادیم و حدود پنج میلیون تومان به این بچه‌ها اختصاص پیدا کرد. امسال هم با محمدحسین فرخ‌بخش و عبدالله علیخانی صحبت کردم و قرار شد سانس ساعت ۲۰ سینما آفریقا چهارشنبه، ۴ آذرماه، فیلم «آقای هفت‌رنگ» بلیت‌فروشی‌اش برای کمک به این بچه‌ها باشد و گل‌ریزمی صورت گیرد و خود من هم در این برنامه صحبت خواهم کرد. در شرایطی که هنرمندان روزهای سختی را می‌گذرانند، این حرکت‌های فرهنگی از طرف آنها بسیار قشنگ است و اثرات ماندگاری دارد و امیدوارم بتوانم هر سال این برنامه را ادامه بدهم.»

- آلبوم**

صدای سخن عشق، خواننده: شهرام ناظری، انتشارات: آوای نوین اصفهان، ژانر: سنتی، مهر ۸۸
یکبیسخت، خواننده: سینا سرلک، انتشارات: رهگذر هفت اقلیم، ژانر: سنتی، مهر ۸۸
نسیم، بی‌یکلام (مسعود جاهد)، انتشارات: آوای نوین اصفهان، ژانر:

- تلویزیون**

شبکه یک: ناوارو (تکرار)، ساعت ۱۰/۳۰ / آیشیزباشی(تکرار)، ساعت ۱۵/۱۰/ پرستاران، ساعت ۲۲/۱۰ / ناوارو، ساعت یک / پنجره، ساعت ۵/۰۰
شبکه دو: داستانی(تکرار)، ساعت ۱۴ / حلالم کن، ساعت ۲۱/۳۰
شبکه سه: مسافران، ساعت ۱۳/۳۰ / گاوصندوق (تکرار)، ساعت ۱۶/۳۰/

فره‌یختگان

روزنامه سیاسی / اقتصادی / فرهنگی / ورزشی / اجتماعی

WWW.FARHEEKHTEGAN.IR

علی‌زغم وعده‌های مسوولان درباره جوایز اهدایی به برگزیدگان جایزه ادبی جلال آل‌احمد

هیچ؛ سهم ادبیات داستانی

ارشاد اسلامی، اعلام کرده بود کاری به کار کاندیداهای کنار کشیده ندارد و اصولاً این اتفاق، اتفاق چندان مهمی نیست و خلیی در کار جایزه ادبی ایجاد نمی‌کند، اما هیچ ۱۱۰ سکه‌ای در بخش رمان و داستان کوتاه اهدا نشد. مصطفی مستور با رمان «من گنجشک نیستم»، قباد آذرآیین با مجموعه‌داستان «هجوم آفتاب» و مجید قیصری با رمان «شمس شامی» از نامزدی جایزه انصراف دادند و رمان‌های «بیوتن» نوشته رضا امیرخانی دومین جایزه ادبی جلال آل‌احمد در آخرین روز باقیمانده تا مراسم، بالاخره داوران خود را معرفی کرد و دیگر مشخص شد است که این تصمیم‌های دولتی، زیر نظر افرادی چون اصغر قانلان، محمود بشیری، حسین‌علی قیادی، عباس‌علی وفايي، مریم حسینی، فیروز نوزوی‌جلالی و احمد شاکری گرفته شده است.



پیکسل | عکس: مازیار نیک‌خلق - جام‌چم آنلاین / نهمین دوسالنه کاریکاتور

انتشار آلبوم «دارکوب» با صدای مهران مدیری

فرهیختگان: صدای خوب مدیری و علاقه‌اش به خواندن ترانه‌های قدیمی خیلی سال پیش با خواندن ترانه تیتراژ سریال «ماه مهر» کشف شد و بعد از آن تیتراژی برای سریال «باز مغفّر» خواند تا در آخرین جشن دنیای تصویر، به دعوت علی معلم، برنامه‌ای ویژه برای مخاطبان این جشن اجرا کند. تمام این نشانه‌ها، بهانه‌ای بود تا گروه موسیقی دارکوب به سرپرستی همایون نصیری از مدیری دعوت کند به‌عنوان هنرمند میهمان، در کنسرت خیریه رضا بزدانی، علیرضا عصا، بابک رهنما و گروه دارکوب در اسفند سال ۸۷ همراه این گروه باشند. مدیری در این کنسرت در قد و قامت یک خواننده حرف‌های ظاهر شد و حالا بعد از یک سال، آلبوم و سی‌دی تصویری گروه دارکوب با اجرای او در همین کنسرت منتشر می‌شود. البته در این آلبوم یک اجرا هم از حامد بهداد به همراه گروه دارکوب وجود دارد. این آلبوم تا پایان آذر در بازارموسیقی منتشر می‌شود و اگر شرکت تهیه‌کننده آن موفق به اتمام کارهای آن شود، انتشار آن تا پایان ماه محرم به تعویق می‌افتد.

فرهیختگان: جدیدترین کتاب پل استر به نام «ناپیدا»

که قرار بود هم‌زمان با انتشار در آمریکا و اروپا در ایران نیز منتشر شود، با تاخیر یک ماهه تا هفته دیگر به کتابفروشی‌های ایران می‌آید. خبرگزاری مهر گزارش داده است که به‌دلیل تاخیر روند امور اجرایی در صدور مجوز امکان این هم‌زمانی محقق نشده است. انتشار ترجمه یک کتاب هم‌زمان با توزیع جهانی آن به زبان اصلی اتفاقی بی‌سابقه در ادبیات ایران بود که علی‌رغم اینکه نشر الق ضمن حق کپی‌رایت این کتاب حق ویژه امتیاز هم‌زمان اثر به زبان فارسی را نیز خریداری کرده بود اما این امر اتفاق نیفتاد. رمان «ناپیدا»، پانزدهمین کتاب پل استر است که با عنوان «Invisible» توسط انتشارات مک‌میلان در آمریکا و اروپا منتشر شده است. این اثر استر نیز مانند دیگر کارهایش داستان در داستان و ماجرای زندگی مردی است که بیمار و در حال مرگ است. او خاطرات یک سال از زندگی‌اش را می‌نویسد و می‌خواهد آن را به دست دوستی بسپارد. این اثر درواغ بخشی از خاطرات آن مرد و بخشی دیگر داستان زندگی کسانی است که از آن خاطرات زنده مانده‌اند.

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی
مدیرمسئول:افشین محمدی
سرمدبیر:نهریز قربانیان
نشانی: خیابان حافظ - بعد از پل دوم حافظ روه‌پروزی ساختمان پورس ساختمان فرهیختگان - طبقه سوم چاپ: طوطی
مدیریت توزیع و امور شهرستان‌ها: ۶۶۷۱۷۰۲۸
تلفن: ۱۸۲ - ۶۶۷۰۱۸۰
فاکس مدیرمسئول: ۶۶۷۰۵۰۱
فاکس روابط عمومی: ۶۶۷۲۰۲۷

اذان ظهر: ۱۱/۵۱
غروب خورشید: ۱۶/۵۲
اذان مغرب: ۱۷/۱۲
نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۶
اذان صبح فردا: ۵/۲۰
طلوع خورشید فردا: ۶/۴۹

- چرک‌نویس**

در سوگ شهرام شیدایی
شاعر ناکام

اسدالله

علی باباچاهی

اولین‌بار شهرام شیدایی را در مجله آدینه دیدم. آمده بود کارش را برای صفحات شعر به ما بدهد. ۱۰ و ۱۲ سال پیش بود. به‌خاطر جوانی اعتمادبه‌نفس بالایی داشت اما شعرش هنوز به پختگی نرسیده بود و نمی‌توانستم در آدینه منتشرش کنم. تمام اینها را به او گفتم، اما نمی‌دانم که خوشش آمد یا نه. چهار- پنج سال بعد، شعرهایش را در دست کسی دیدم و بعد با هم در مرکز نشر دانشگاهی همکار شدیم. از او خواستم شعرهایش را برای چاپ در آدینه به من بدهد. شعرا در آدینه چاپ شد و او روزبه‌روز پیشرفت کرد. انسان بلندپروازی بود که بعد از چاپ اولین کتابش، کتاب شعر دیگری را چاپ کرد و بعد کتاب‌های داستان و بعد هم ناشر شد. با اسمو ژینسکی و چکاد، کتاب «آدم‌های روی پل» را ترجمه کرد و از همان زمان آقدر شعرهایش توجه مرا به خود جلب کرد که در جلد سوم کتاب گزاره‌های منفرده به شعر ایشان پرداختم و رگه‌های درخشانش را پیدا کردم. شهرام شیدایی روحیه شاعرانه‌ای داشت که مطبوع من بود. من متأسفم که این شاعر ناکام درست در زمانی که باید از ورطه زندگی و سختی‌های آن بیرون بیاید اجل مهلتش نداد. با استعدادهای می‌توانست آینده کاری خوبی داشته باشد. اما یک‌چو‌راهی‌با‌هم‌در‌شهر‌کرخ‌همشهری‌بودیم‌و‌کتابفروشی‌سروش‌باتوق‌ما‌بود.‌گهگاهی‌او‌را‌در‌این‌کتابفروشی‌می‌دیدم‌و‌بار‌آخر‌فروتنی‌و‌حالتی‌داشت‌که‌با‌توجه‌به‌بیماری‌اش‌منتظر‌شنیدن‌این‌خبر‌بودم.‌اما‌این‌زمانه‌ما‌رم‌س‌بدی‌دارد.‌اتفاق‌درندگانی‌است‌که‌جوانان‌بروند‌و‌غیر‌جوانان‌در‌تشییع‌آنها‌شرکت‌کنند.

- درددل‌های غیور سعی**

جوابی برای بهمن قیادی
معتمد که هنر را نباید به سیاست آلوده کرد

اعباس

عباس کیارستمی

والله اگر آقای قیادی این سوال را از خودم می‌پرسید خیلی راحت‌تر بودم که به خودش پاسخ دهم. برای اینکه الزاما لزومی به نوشتن نامه سرگشاده نبود. من دو هفته پیش افتخار دیدار با ایشان را داشتم و ایشان می‌توانست این سوال را از خودم بپرسد. اما سوال من این است که

کجا این قاعده و قانون هست که باید حتما فیلم‌های اجتماعی بسازیم؟ این سوال از کجا می‌آید؟ کجا این تمهد را به دوش هنرمند یا فیلمساز می‌گذارند که تم کارش را مشخص کنند؟ شاید اگر این سوال از سوی کسی غیر از یک فیلمساز مطرح می‌شد، می‌توانستم علت طرح آن را پیدا کنم. اولاً یک فیلمساز باید احساس آزادی و امنیت کند؛ باید در مقابل آنچه که خودش به خودش حکم می‌کند مسوول باشد نه حکمی که از بیرون به او تحمیل می‌شود. نانیا کدام‌یک از فیلم‌های من اجتماعی نبوده‌اند؟ اگر منظور از فیلم‌های اجتماعی، فیلم‌های سیاسی است باید بگویم من از آن پرهیز می‌کنم. برای اینکه فیلم‌های سیاسی تاریخ‌مصرف مشخصی دارند. به اعتقاد من هنر باید مقداری خودش را از مقوله سیاست جدا نگه دارد. ولی هر فیلمی که شما بسازید و فیلم خوبی باشد، به هر حال راجع به انسان امروز است. انسان هم یک موجود اجتماعی است. راستش من فیلم‌های شعارگونه را دوست نمی‌دارم. فکر می‌کنم در شان هنر نیست. اما گرا با آزادی کار کنیم و فیلم‌مان هم راجع به انسان امروز باشد که مشخص است کجا زندگی می‌کند و تحت تأثیر چه شرایطی است، طبیعتاً آن فیلم اجتماعی است. اما اینکه الزاماً فیلم سیاسی مناسب مد روز و به نرخ روز بسازم راستش من سعی می‌کنم از آن پرهیز کنم. برای اینکه جایگاه هنر را رفیع‌تر از آن می‌دانم که خودش را آلوده مسائل سیاسی روز کند. به اعتقاد من، فیلم‌های شاعرانه آثار ماندگار می‌هستند. چون راجع به مسائل انسانی حرف می‌زنند. شما حتما تجربه فیلم‌های گواراوس و کورسواک را دیده‌اید؟ فیلم‌هایی که به مجرد اینکه سیستم سیاسی یونان تغییر کرد، آنها هم اعتبار خودشان را از دست دادند. من به این اعتقاد ندارم که چیزی از بیرون به من توصیه شود و من از شرایط روز فرصت‌طلبی کنم. به نظر من کار هنری یک کار طولانی و درازمدت است. در این مسیر بایدی هم وجود ندارد. اگر کسی هم فیلم سیاسی روز بسازد من هرگز به او نخواهم گفت چرا فیلم شاعرانه و هنری نمی‌سازد؟ من فکر می‌کنم هر هنرمندی باید ببیند در درون خودش چه اتفاقی افتاده است. چرا می‌باید همه از هم الگو بگیرند؟ همین قدر که در آوای قیادی فیلم سیاسی – اجتماعی می‌سازند ما را بس. ایشان نوع نگاه خودشان را دارند. پس اجازه بدهند هر هنرمندی هم نوع کار خودش را عرضه کند. به هر حال سوال شما را با این پاسخ به اتمام می‌رسانم که از یک فیلمساز، طرح چنین سوالاتی بعید است و بیشتر از آن نوشتن نامه سرگشاده به نظرم بعید می‌آید. معمولاً نامه سرگشاده را خطاب به سیاستمدارانی می‌نویسند که دستشان به او نمی‌رسد، اگر ایشان منظور دیگری داشته است کاش صریح‌تر طرح می‌کردند.

بهمن قیادی، در حاشیه جشنواره لبوظبی نامه‌ای سرگشاده برای عباس کیارستمی نوشت و در آن نامه، خطاب به یکی از اعضای هیات‌داوران این جشنواره گفت: «چرا پیش از این، از فیلم من خوست می‌آمد و الان خوست نمی‌آید؟» و به کارگردان «زیر درختان زیتون»، ایراد گرفت که چرا فیلم‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌سازد. این نامه سرورصدایی به راه انداخت و کار را به جایی رساند که نزدیک به یک هفته پس از آن نامه، عباس کیارستمی در حاشیه برگزاری نمایشگاه مشترکش با پیروزی تناولی در دبی، در گفت‌وگویی به اتهاماتی که بهمن قیادی به او وارد کرده، پاسخ داد. جملات بالا، متن صحبت‌های عباس کیارستمی است.

- آرشیو**

نامزدهای نهایی جایزه شعر زنان معرفی شدند
خورشیدی برای زنان شاعر ایران

فرهیختگان: پنج نامزدهای نهایی دومین دوره جایزه شعر زنان ایران (خورشید) معرفی شدند. داوران جایزه امسال، این پنج کتاب را از میان ۱۸ کتاب شرکت‌کننده، انتخاب کرده‌اند تا از میان آنها برنده اصلی جایزه خورشید سال ۸۸ معرفی شود. کتاب‌های «با خودم حرف می‌زنم» اثر روجا چمنکار، «به کسی نگو» اثر کنایون زیرخراتی، «دنیا چشم از ما بر نمی‌دارد» اثر الهام اسلامی، «هیچ بارانی این همه را نخواهد شست» اثر شمیم آذر و «یکی از ما باید به او می‌گفت» اثر فرشته ساری پنج نامزد نهایی این جایزه هستند که توسط آرتا قهرمان، رویا تفتی، پگاه احدی، بهاره رضایی و رویا زرین انتخاب شده‌اند. دکتر فریده فرهادی، دکتر فاطمه حق‌بین، اعظم پاک‌ی و فاطمه سالاروند حامیان مالی این جایزه هستند.

- سینما**

صداها، کارگردان: فرزاد موتمن / سینماهای نمایش‌دهنده: اریکه ایرانیان، آزادی، فرهنگ، ایران، پردیس سینمایی ملت و پردیس زندگی
محاکمه برای خیابان، کارگردان: مسعود کیمیایی/ سینماهای نمایش‌دهنده: استقلال، آزادی، فرهنگ، اریکه ایرانیان، پردیس ملت، ایران، عصرجدید، پردیس زندگی، سپیده، گلریز، موزه سینما، شاهد، نیلوران، مرکزی، بلوار، پارس، جی،

- کتاب**

اجاق سرد همسایه/ اتابک فتح‌اللهزاده/ انتشارات معین/ چاپ دوم ۱۳۸۸/ قیمت ۲۲۰۰ تومان
قایق سواری در تهران/ محمدعلی سیاللو/ نشر اقق/ چاپ اول/ ۳۰۰۰تومان
کوه جادو/ توماس مان/ ترجمه: حسن نکوروج/چاپ اول/ نشر نگاه/۱۵۰۰ تومان

کانون قدس، پردیس تماشا

تردیند، کارگردان: آرواز کریم‌مسیحی/ سینماهای نمایش‌دهنده: آزادی، اریکه ایرانیان، بلوار، پردیس ملت، پردیس زندگی، شاهد، عصرجدید، مرکزی
کتاب قانون، کارگردان: مازار میری/ سینماهای نمایش‌دهنده: سپیده، سروش، مرکزی، جی، آزادی، اریکه ایرانیان

قطار در حال حرکت است/ مجموعه داستان/ میترا داور/ نشر هیلا/ ۲۲۰۰تومان

خزه/ هربرولپوریه/ ترجمه: احمد شاملو/ چاپ اول/ نشر نگاه/ ۶۰۰۰ تومان
جان جهان/ سوزان تامارو/ ترجمه: هاله ناظمی/ نشر هرمس/ ۴۸۰۰ تومان